

اندیشه های سیاسی شهید مدرس (۲)

رضا عیسی نیا

در نخستین بخش این نوشتار، مختصری درباره زندگی و ویژگی های شخصیتی شهید مدرس و سپس اندیشه سیاسی او تحت عناوین ((سیاست و حکومت از دیدگاه مدرس))، ((مبانی مشروعیت حکومت از دیدگاه شهید مدرس))، ((قوای سه گانه و جایگاه آنها در دیدگاه شهید مدرس)) را مورد بحث و بررسی قرار دادیم. در بخش دوم و پایانی آن، ادامه دیدگاه ها و اندیشه های سیاسی آن بزرگ مرد سیاست ایران را پی می گیریم.

وظایف، اختیارات و مسوولیت های حکومت

الف. وظایف و اختیارات حکومت در سیاست داخلی

وظایف و اختیارات حاکم و حکومت اسلامی در دیدگاه شهید مدرس را می توان اجمالا بصورت زیر طبقه بندی کرد:

۱. ایجاد آسایش و رفاه برای مردم کشور ;

۲. دریافت مالیات از شهروندان ;

۳. اجرای عدالت در جامعه ;

۴. حفظ مرزهای کشور اسلامی ;

۵. عمران و آبادی کشور.

همانطور که گفته شد، یکی از وظایف و اختیارات حکومت در زمینه سیاست داخلی، اجرای عدالت می باشد. شهید معتقد است که در جامعه اگر عدل رعایت شد، نظام جامعه از هم گسسته نمی شود ولی اگر عدل رعایت نشود، جامعه در تمام ابعادش متضرر خواهد گردید. البته عدل در دیدگاه مدرس، یعنی از جایش گرفتن بقدر امکان و به مصرف همان ها رساندن بقدر امکان، شهید در این باره می گوید:

((عدل آن است که از مورد گرفته شود و به مورد خرج شود. از همان هایی که گرفته می شود، خرج همان ها شود. این معنی عدل است. از ملت پولی که گرفته می شود، به مصارفی برسد که به نفع آن ملت باشد.)) (۱)

سپس نتیجه می گیرد که اگر این فعل نیک در جامعه تحقق یابد، هرگز به اقتصاد و مملکت ضرر وارد نمی شود.

همانطور که گفته شد، یکی دیگر از وظایف حکومت، دریافت مالیات می باشد و شهید مدرس در این قسمت به ضرورت و اهمیت پرداخت و دریافت مالیات در کشور اشاره می کند و معتقد است که اگر شهروندان در امر پرداخت مالیات نظام مند باشند، آن کشور دست بسوی کشورهای بیگانه دراز نکرده و مجبور به استقراض خارجی نخواهد شد.

البته لازم به تذکر است که شهید مدرس در این موضوع آنقدر حساس می شود و مسوولیت می کند تا جایی که به عنوان یک فقیه طراز اول که نماینده فقهای دیگر در مجلس می باشد، حکم می دهد که آنهایی که می توانند مالیات بدهند و یا باید مالیات بدهند، ولی در امر پرداخت

مالیات تعلل و استنکاف می کنند، خائنین به ملت و وطن فروش محسوب می شوند و باید این افراد مجازات شوند. (۲) یکی دیگر از وظایف حکومت، ایجاد رفاه و آسایش برای مردم می باشد، یعنی حکومت باید با ایجاد موسسات و وزارتخانه، امورات مردم و مطالبشان را سریعتر انجام دهند. در این باره نظر شهید مدرس اینچنین است :

((عرض می شود که غرض از وضع قانون، آسایش خلق است، در امور معاشیه و اگر فایده، هم برای دولت داشته باشد، خیلی خوب است. (مثلاً) خصوص اداره پست که غرض اصلی از آن، آسایش خلق است که امور تجارت و مطالبشان به سرعت پیش برود.)) (۳)

همانطور که گفته شد، یکی از وظایف حکومت، ایجاد رفاه و آسایش برای مردم می باشد و احتمالاً با اندکی دقت می توان گفت که ایجاد رفاه و آسایش در دو شاخه نمود پیدا می کند، یکی در عمران و آبادی کشور که بطور اجمال در بالا به آن اشاره شد و دومی در تأمین العباد؛ حال این تأمین، تأمین جانی باشد یا مالی و یا فکری، فرقی نمی کند. به هر حال، وظیفه حکومت اسلامی است که راه ها را امن و نیز اجتماع را از هر نوع پلیدی و جنایت دور کند و همچنین از حیث فکری، مردم به تبادل و تضارب افکار پرداخته تا به رشد و تعالی افکار برسند. شهید مدرس در این باره می گوید: ((حاکم یک جمعیت باید از مال آن جمعیت، آن جمعیت را اداره کند و هم جامع اداره کردنش در تحت این کلمه است که تعمیرالبلاد و تأمین العباد. البته هم تعمیر بلاد مخارج مالی دارد و هم تأمین عباد محتاج به خرج مال است.)) (۴)

باید عنایت داشت که یکی دیگر از وظایف حکومت، حفظ مرزهای کشور اسلامی است. شهید مدرس در عین حالی که این وظیفه حکومت را تبیین و تشریح می کند، به مسأله مهم فقهی هم اشاره می نماید و آن، این است که آیا جهاد یا جنگ در عصر غیبت امام معصوم ۷ مجاز است یا خیر؟ در پاسخ به این سوال، می توان گفت که همچنان که اکثریت فقها قائل به عدم جواز جهاد ابتدایی هستند، شهید مدرس در زمان غیبت، اعتقاد به جهاد ابتدایی ندارد، اما به جهاد دفاعی معتقد است و می گوید که ((هر کس به ما حمله کند، در هر لباسی که باشد، چه با کلاه شاپو چه با عمامه! فرقی نمی کند، هر کسی که به سرزمین ما تجاوز کند، او را با تیر خواهیم زد و این فعل و عمل را همانند نماز یک فعل واجبی برای مسلمانان کشور اسلامی می شمرد.)) (۵)

ب. وظایف و اهداف حکومت در زمینه سیاست خارجی

یکی از موضوعات مباحث سیاسی، موضوع سیاست خارجی و روابط با کشورهای خارجی است که این موضوع یکی از بحث های کلیدی و بسیار مهم اندیشه سیاسی شهید مدرس را تشکیل می دهد، آن هم تحت عنوان سیاست موازنه عدل؛ البته جالب و کلیدی بودن این اندیشه و نظر را می توان با در نظر گرفتن فضای سیاسی آن عصر بهتر درک کرد؛ چرا که ایران آن عصر جامعه ای بود از درون آفت زده و از بیرون هم ترمینال دو قدرت بزرگ (و به گفته خود شهید مدرس دو قدرت که یکی اعقل و دیگر عامل و یکی قوی و دیگری اقوی) روسیه و انگلیس، دو قدرت که هر وقت اراده می کردند، به بهانه ای ایران را مابین خود تقسیم کرده و منابع و معادن و ثروت مادی و انسانی آن را به تاراج می بردند.

در این فضای آلوده که عده ای از دولتمردان به همسایه شمالی عشق می ورزیدند و نوکری آن را افتخاری بس عظیم برای خود قلمداد می کردند و عده ای هم برای همسایه جنوبی خوش رقصی کرده و اجیر آنها می شدند و افتخار می کردند که بریتانیای کبیر برای آنها مقرری معین نموده و بخاطر آن سرمایه ملت و مملکت را یکجا به اجنبی هبه می کردند؛ در چنین فضایی، بزرگ مردی و مجاهدی وارسته و دارای تفکر توحیدی، صدای سیاست ((نه شرقی و نه غربی)) را سر می دهد و دنبال اثبات عزت و شرف ایران اسلامی و ملت مسلمان است؛ چرا که از فرهنگ قرآن الهام گرفته و آشنا به آیه نفی سبیل و عالم و آگاه به مسائل سیاسی است. صفت وارستگی و عدم تعلق به زرق و برق های دنیوی را به خود اختصاص داده و بر این اساس، می تواند چنین شعاری را طرح و اجرا کند. لذا ندا سر می دهد که روابط ما با تمام کشورها، چه همسایه و چه غیر همسایه، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، بر اساس صلح و صفا و صمیمیت و برادری است و ما خواهان روابط حسنه با

تمام دول جهان می باشیم، در عین حال که خواستار صلح و صفا و روابط هستیم، به کسی هم اجازه سلطه نمی دهیم. با این توضیحات مختصر، می توان وظایف و اهداف حکومت در زمینه سیاست خارجی را در دیدگاه شهید مدرس این گونه فهرست کرد:

۱. تأمین حاکمیت و استقلال کشور ;

۲. تدوین و اجرای اصول سیاست خارجی بر پایه دیانت ;

۳. مبارزه با بیگانه در صورت تعدی و تجاوز به کشور ;

۴. روابط حسنه با تمام دول جهان بدون هیچ گونه سلطه و دخالت در امور یکدیگر ;

۵. دستیابی به استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در سایه اعمال سیاست توازن عدمی ;

۶. توجه به مسائل و مشکلات مسلمانان جهان اسلام.

اما توضیح مطالب فوق، با استناد به سخنان شهید مدرس می باشد. شهید مدرس در یکی از نطق های خود در مجلس شورای ملی، وقتی اوضاع جهان و در آن میان وضعیت ایران عصر خود را بیان و تشریح می کند، در باب روابط با دول بیگانه اینچنین می گوید: ((منشأ سیاست ما دیانت ماست. ما با تمام دنیا دوستیم، مادامی که متعرض ما نشده اند. هر کس متعرض ما بشود، متعرض او خواهیم شد. همین مذاکره را با مرحوم صدراعظم شهید عثمانی کردم گفتم: اگر کسی بدون اجازه ما وارد سر حد ایران شود و قدرت داشته باشیم، او را با تیر می زنیم، خواه کلاهی باشد، خواه عمامه ای باشد، خواه شاپو سیر داشته باشد... دیانت ما عین سیاست ماست و سیاست ما عین دیانت ما، ما با همه دوستیم و همین طور دستور داده شده است.)) (۶)

البته برای مدرس فرقی نمی کند که بیگانه شرقی باشد یا غربی. آنچه برای او در روابط خارجی مهم است، تحصیل عزت و عظمت و منافع مسلمین است.

مدرس باز بودن درهای کشور، و یا به تعبیر خودش، به همه جا در داشتن را بر مبنای موازنه عدمی یعنی فلسفه سیاسی خود می داند و اعتقاد دارد که روابط حسنه با تمام دول جهان باید بدون هیچ گونه سلطه و دخالت در امور یکدیگر وجود داشته باشد. او می گوید: ((با تمام دول جهان باید روابط حسنه داشته باشیم، بدون اینکه دول قوی بخواهند بر ما سلطه سیاسی یا اقتصادی و یا هر گونه سلطه دیگری داشته باشند.)) (۷)

همانطور که گفته شد، به عقیده مرحوم مدرس، نیل به خودکفائی سیاسی و دستیابی به استقلال فرهنگی و اقتصادی کشور، جز در سایه اعمال سیاست توازن عدمی و جلوگیری از نفوذ قدرت های استعماری شرق و غرب در ایران میسر نیست. او به کرات بدین موضوع تصریح کرده است که ضرورت دارد توازن عدمی را نسبت به همه دولت ها مراعات کنیم، نه توازن وجودی را و از تمایل به هر سیاست خارجی چه رنگ شمال داشته و چه جنوب و چه شرق و چه غرب بپرهیزیم. (۸)

در این باره شهید مدرس می گوید:

((ما را بگذارید که صلاح و فساد خودمان را می دانیم... من مناسب نمی بینم که دولت ها دوست های خصوصی پیدا کنند، یکی تعریف ما را بکند یکی مذمت، من اگر خوبم، اگر بد، تو برو خود را باش. من که با همه خوبم، هیچ دوست ندارم که یک دولتی چه در اینجا و چه در مرکز

خود، تعریف مرا بکنند. من اگر خوبم، برای خودم و اگر بدم، برای خودم هستم. من از هر دولتی که بخواهد دخالت در امور بکنند، می ترسم و باید توازن عدمی را نسبت به همه مراعات کرد، نه توازن وجودی، یعنی شما برای خودتان، ما هم برای خودمان.)) (۹)

یکی از مصادیق مخالفت با موازنه وجودی و اعتقاد به موازنه عدمی شهید مدرس را می توان در مخالفت با قرار داد ۱۹۱۹ دید، که خود شهید در این باره می گوید: ((این قرار داد منحوس، یک سیاست مضر به دیانت اسلام، مضر به سیاست بی طرفی ما بود... کابینه وثوق الدوله خواست ایران را رنگ بدهد، اظهار تمایل به دولت انگلیس کرد، بر خدا و ملت ایران قیام نمود. حال هم هر کسی تمایلی به سیاستی نماید، ما یعنی ملت ایران با او موافقت نخواهیم نمود. چه رنگ شمال و چه رنگ جنوب و چه رنگ آخر دنیا...)) (۱۰)

یا در جای دیگر می افزاید:

((...یک اشخاصی رنگ پیدا کردند، آمدند و گفتند که عقیده ما تمایل به سیاست انگلیس است. شاید یکی پیدا بشود و بگوید عقیده سیاسی من روس است، ما بر ضد همه هستیم. ایرانی مسلمان باید مسلمان و ایرانی باشد. هر رنگی غیر از این داشته باشد، دشمن دیانت ما، دشمن استقلال ماست.)) (۱۱)

نتیجه

مدرس یکی از فقها و مجتهدین عصر قاجار و پهلوی بود که هر دو فضای اجتماعی و سیاسی ایران آن عصر را بخوبی درک کرد و جزء آن دسته از روحانیون می باشد که به اوضاع جهانی آگاهی داشته و با اندیشه صاحب نظران غربی هم آشنا بود. کسی که کتاب های تاریخ شاردن، روح القوانين مونتسکیو، شهریار ماکیاولی را مطالعه کرد، و در دوره ای، به عنوان یکی از فقهای برگزیده، از میان بیست فقیه طراز اول، وارد مجلس شد، تا نظارت مجلسی را که محصول انقلاب مشروطه است، عهده دار باشد. او بعدها نیز به عنوان وکیل اول مردم تهران وارد مجلس شورای ملی شد و ثمرات زیادی را برای ملت ایران به ارمغان آورد.

مدرس کسی بود که مشکل ایران را در دو چیز عمده و اساسی مشاهده می کرد، یکی در استبداد، که باعث ناتمام ماندن اهداف انقلاب مشروطه، از دست رفتن قدرت پارلمان، بازگشت قدرت از پارلمان به پادشاه و منصب پادشاهی و ترویج تفکر فضیلت طلبی می شد؛ بنابراین تلاش می کرد که استبداد را نابود کرده و بر این باور بود که در هر صورت، باید قوانین اسلامی جاری و ساری شود و برای اجرای قوانین اسلامی نظام می تواند مشروطه باشد و هم می تواند جمهوری باشد؛ البته نه جمهوری تقلبی رضاخانی و استدلال می کند که مشکل حکومت در عصر غیبت می تواند جمهوری باشد.

خلاصه اینکه راه حلی که شهید برای مشکل اول و رهایی از آن ارائه می کند، این است که دین از سیاست نباید جدا باشد؛ چرا که وقتی ملت مسلمان ایران و اندیشمندان مسلمان از سیاست فاصله گرفتند و تفکر جدایی دینی از سیاست ترویج یافت، بر این اساس، ناهلان بر روی کار آمدند و مشکلاتی برای ایران آفریدند که از آن جمله، مشکلات استبداد می باشد. فلذا تنها راه نجات از این مشکل، اعتقاد نظری و عملی به ادغام و عینیت دین و سیاست و حضور فقها و اندیشمندان مسلمان در صحنه سیاسی می باشد. و مشکل دوم را در سلطه بیگانگان و وجود سیاست ایجابی در ایران می بیند و بر این اعتقاد است که تمام گرفتاریها بخاطر این است که عده ای وطن فروش با اجانب همکاری کرده و در صدد فروش ایران و باعث بدبختی و عقب ماندگی ایرانیان شده اند و طرفداری از انگلیس و روس می کنند و ((انگلو فیل)) بازی و ((روسوفیل)) بازی در می آورند؛ در چنین فضای اجتماعی و سیاسی است که مدرس سیاست سلبی و موازنه عدمی را مطرح می کند که بعدها الگویی برای دیگران، از جمله رهبران نهضت ملی کردن نفت ایران می شود و شهید مدرس با اینکه به سیاست سلبی در سیاست داخلی

و خارجی اعتقاد دارد، ولی هیچ وقت بر این باور نیست که سیاست عدمی یعنی عدم ارتباط با دیگران، بلکه کشوری را قوی می‌داند که کشورش به همه سو در داشته باشد و در عین استقلال، بتواند از فن و تکنولوژی دیگران هم استفاده و بهره ببرد.

پی نوشت ها

۱. محمد ترکمان، پیشین، جلد دوم، ص ۴۷۸.

۲. محمد ترکمان، پیشین، جلد اول، ص ۲۲۹.

۳. همان، ص ۱۲۳.

۴. همان، ص ۳۱۵.

۵. محمد ترکمان، پیشین، جلد دوم، ص ۱۶۷ - ۱۶۶.

۶. حسین مکی، پیشین، ص ۲۰۹، همچنین رجوع کنید به محمد ترکمان، مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج ۲، ص ۴۶۴.

۷. علی مدرس، نگاه مدرس به فرهنگ و تمدن غرب، کتاب سروش، چاپ اول ۱۳۷۵، انتشارات صدا و سیما، ج ۱، ص ۲۱۱.

۸. حسین رزمجو، مدرس و اصل توازن عدمی او در سیاست، مشکوه، بهار ۱۳۷۰، ص ۹۲ - ۹۱.

۹. حسین مکی، پیشین، ص ۲۱۱.

۱۰. علی مدرسی، مرد روزگاران، جلد اول، چاپ دوم (بی جا، بی نا، ۱۳۷۴)، ص ۴۰۵.

۱۱. محمد ترکمان، پیشین، جلد اول، ص ۱۹۶.